



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى



## موضوع:

مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ تفسیر قرآن؛ روش و قواعد تفسیر قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: محمد

تاریخ: ۱۳۹۹/۲/۲۷

سیاق آیات تا چه اندازه در تفسیر قرآن موضوعیت دارد؟ آیا به منظور پیروی از ظاهر آیات، باید کاملاً به سیاق آن‌ها وفادار ماند؟ تضادّ میان تفاسیر موجود از آیات تطهیر و اِکمال دین، چگونه توجیه می‌شود؟ آیا سنت -ولو در حدّ متواتر- می‌تواند ظاهر و سیاق این آیات را نسخ کند؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۹/۳/۳

ظاهر سخن خداوند، مانند ظاهر سخن هر متکلم حکیمی، حجت است و مراد از ظاهر آن، معنایی است که ابتدائاً از آن به ذهن مخاطب می‌رسد؛ چنانکه مثلاً ظاهر کلمه‌ی «شیر» در عبارت «شیری را دیدم»، «حیوانی درنده» است، مشروط به اینکه قرینه‌ای لفظی یا غیر لفظی بر خلاف آن وجود نداشته باشد؛ زیرا گاهی متکلم حکیم، از یک کلمه، معنایی را قصد می‌کند که ابتدائاً از آن به ذهن مخاطب نمی‌رسد و این اشکالی ندارد، مشروط به اینکه قرینه‌ی لازم برای فهم مقصود او وجود داشته باشد و قرینه‌ی لازم برای فهم مقصود او، گاهی به صورت متصل در سخن او وجود دارد؛ مانند آنکه بگوید: «شیری را دیدم که با دو شمشیر می‌جنگید»؛ با توجه به اینکه حیوان درنده، با شمشیر نمی‌جنگد و این یک قرینه‌ی لفظی متصل برای فهم آن است که مقصود او از شیر، حیوانی درنده نیست، بلکه انسانی شجاع در میدان جنگ است و گاهی به صورت منفصل یعنی جداگانه در سخن او وجود دارد؛ مانند آنکه بگوید: «به عالمان احترام بگذار» و سپس در عبارتی دیگر بگوید: «کسی که حامی ظالمان است، عالم نیست» و این یک قرینه‌ی لفظی منفصل برای فهم آن است که مقصود او از عالمان، حامیان ظالمان نیستند، اگرچه عرفاً از زمره‌ی عالمان محسوب شوند و گاهی به صورت متصل یا منفصل در سخن او وجود ندارد، ولی عقل سلیم حکم می‌کند که مقصودش چیز دیگری است؛ مانند آنکه بگوید: «دنیا دو روز بیش نیست»؛

با توجه به اینکه دنیا یقیناً و مسلماً بیشتر از دو روز است و این یک قرینه‌ی عقلی برای فهم آن است که مقصود او از دو روز، ۴۸ ساعت نیست، بلکه زمانی کوتاه و گذرا در مقایسه با آخرت است.

این قاعده‌ای کلی است که بر سخن خداوند نیز صدق می‌کند و تبعاً عدم توجه و تقیید به آن، می‌تواند به جمود بر ظواهر الفاظ و عبارات قرآن یا غرق شدن در تأویل و تفسیر باطنی از آن‌ها بینجامد که دو سر انحراف در فهم قرآن هستند. به عنوان نمونه، خداوند فرموده است: **«وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ»**<sup>۱</sup>؛ «و چون چیزی که گفتیم بر آنان واقع شود، برایشان جنبنده‌ای از زمین بیرون می‌آوریم که با آنان سخن گوید»، در حالی که ظاهر از **«دَابَّةً»**؛ «جنبنده» یعنی معنایی که ابتدائاً از آن به ذهن مخاطب می‌رسد، یک حیوان است، ولی طبیعتاً حیوان با مردم سخن نمی‌گوید و این یک قرینه‌ی لفظی متصل برای فهم آن است که مقصود خداوند از **«دَابَّةً»**؛ «جنبنده»، یک حیوان نیست، بلکه یک انسان است<sup>۲</sup>، یا فرموده است: **«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»**<sup>۳</sup>؛ «جز این نیست که خداوند می‌خواهد هر آلاشی را از شما اهل بیت بردارد و شما را کاملاً پاکیزه گرداند»، در حالی که ظاهر از **«أَهْلَ الْبَيْتِ»** یعنی معنایی که ابتدائاً از آن به ذهن مخاطب می‌رسد، همه‌ی اهل خانه‌ی پیامبر شامل همسران، فرزندان و نزدیکان او هستند، ولی در آیه‌ای دیگر با اشاره به یکی از اهل خانه‌ی نوح علیه السلام فرموده است: **«إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»**<sup>۴</sup>؛ «او از اهل بیت تو نیست؛ چراکه کاری ناشایست کرده است» و این یک قرینه‌ی لفظی منفصل برای فهم آن است که مقصود خداوند از **«أَهْلَ الْبَيْتِ»**، همه‌ی اهل خانه‌ی پیامبر نیستند، بل تنها کسانی از آنان هستند که کاری ناشایست نکرده‌اند و آنان در روایات متواتر و مشهور، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام معرفی شده‌اند<sup>۵</sup>، یا فرموده است: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»**<sup>۶</sup>؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر اطاعت کنید و از والیان امرتان»، در حالی که ظاهر از **«أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»**؛ «والیان امرتان» یعنی معنایی که ابتدائاً از آن به ذهن مخاطب می‌رسد، همه‌ی امیران هستند، ولی عقل سلیم اطاعت از امیرانی که بر خلاف فرمان خداوند و پیامبر فرمان می‌دهند را روا نمی‌داند و این یک قرینه‌ی عقلی برای فهم آن است که مقصود خداوند از **«أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»**؛ «والیان امرتان»، همه‌ی امیران نیستند، بل تنها امیرانی پاک هستند که بر خلاف فرمان خداوند و پیامبر فرمان نمی‌دهند و آنان بنا بر روایات متواتر و مشهور، دوازده امیر از اهل بیت پیامبرند<sup>۷</sup>.

۱. التمل / ۸۲

۲. در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ / ۲۴۶.

۳. الأحزاب / ۳۳

۴. هود / ۴۶

۵. در این باره، بنگرید به: کتاب «بازگشت به اسلام»، ص ۲۲۶.

۶. النساء / ۵۹

۷. در این باره، بنگرید به: کتاب «بازگشت به اسلام»، ص ۲۲۹.



از اینجا دانسته می‌شود که عدم فهم صحیح و کامل قرآن، ناشی از عدم توجه و تقید کافی به قرائن لفظی و غیر لفظی موجود در آن است؛ همچنانکه دانسته می‌شود، تطابق فهم صحیح و کامل سخن خداوند با روایات متواتر و مشهور پیامبر، به معنای تخصیص قرآن با سنت نیست؛ چراکه این فهم، حاصل جمع آیات قرآن و مبتنی بر قرائن لفظی و غیر لفظی موجود در آن است و سنت تنها مصادیق آن را تبیین کرده است و تردیدی نیست که سنت، صلاحیت تبیین مصادیق آن را دارد؛ چراکه خداوند به پیامبر فرموده است: **«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»**؛ «و ذکر (یعنی قرآن) را بر تو نازل کردیم تا برای مردم چیزی که برایشان نازل شده است را تبیین کنی و باشد که آنان تفکر کنند» و فرموده است: **«وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»**؛ «و کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه درباره‌ی آن اختلاف کردند را برایشان تبیین کنی و هدایت و رحمتی برای گروهی باشد که ایمان می‌آورند».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ جراسانی  
 دفتر مجتبیان با همکاری و پشتیبانی



۱. النحل / ۴۴  
 ۲. النحل / ۶۸

[www.alkhorasani.com](http://www.alkhorasani.com)

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ جراسانی حفظه الله تعالى



\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.